



کردها علیه بارزانی

موضوع همه‌پرسی استقلال اقلیم کردستان عراق را می‌توان در سطوح حزبی و قومی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی بررسی کرد.

به گزارش آران نیوز: موضوع تجزیه‌طلبی فقط به کردها محدود نمی‌شود و برای مثال کاتالان‌ها یا اسکاتلندی‌ها نیز دم از استقلال و تجزیه‌طلبی می‌زنند. لازمه این اقدام در سطح قومی، یک وحدت حزبی و قومی است. ولی اقدام مسعود بارزانی، برای اعلام استقلال این منطقه، نه با وحدت حزبی و نه با وحدت قومی همراه بود. همه احزاب کردستان عراق با فرآیند برگزاری همه‌پرسی توسط بارزانی موافق نبودند. دو حزب اصلی گوران و اتحادیه میهنی در برابر خواسته بارزانی مقاومت و اعلام کردند با این رویه او مخالفند و سرانجام این حرکت به جای حرکتی قومی با مشارکت همه احزاب کرد، به حرکتی تک‌حزبی و شخصی تبدیل شد.

از آنجا که دوره حکومت بارزانی به پایان رسیده بود و او باید کنار می‌رفت، در نظر داشت با برگزاری همه‌پرسی استقلال و یک اقدام قهرمانانه، نظام حکومتی اقلیم را تغییر دهد و با تصویب قانون اساسی جدید، خود را رهبر جدید کشور کردستان مستقل اعلام کند. در واقع او می‌دانست اگر در شرایط فعلی بخواهد در انتخابات شرکت کند، شانس زیادی برای پیروزی ندارد و تنها راه نجات خود را اعلام استقلال اقلیم و قهرمان خواندن خود تصور کرد.

از سوی دیگر، اقلیم کردستان قانون اساسی عراق را پذیرفته بود لذا این اقلیم هم دارای بودجه اختصاصی بود و هم مناصبی را از قبیل ریاست‌جمهوری در دولت فدرال به عهده کردها گذاشته شد. اما آنها همان قانون اساسی را زیر پا گذاشتند که توسط آن به قدرت رسیده بودند. آنها گمرک عراق را به گمرک اقلیم کردستان تبدیل کردند. نفت را که در اختیار دولت مرکزی بود، نفت اقلیم کردستان خواندند. همچنین فرودگاه‌های کشوری را نیز در اختیار گرفتند. برای خودمختاری اقلیم عراق، مکانیزمی مشخص در قانون اساسی تعریف شده بود که بارزانی آن را نقض کرد و همه هنجارها را زیر پا گذاشت. خطای دیگر بارزانی در بخش ملی ضمیمه کردن مناطق مورد اختلاف میان اقلیم و دولت مرکزی عراق، به اقلیم کردستان بود. اعلام استقلال در مناطق مشخص اقلیم کردستان شاید برای کردها قابل توجیه باشد، اما برگزاری همه‌پرسی و اعلام استقلال مناطق مورد اختلاف مانند کرکوک به هیچ وجه مورد حمایت هیچ گروهی نبود.

بارزانی در سطح منطقه‌ای نیز به جای همگرایی که می‌توانست به کردستان و عراق و دیگر کشورهای منطقه کمک کند به همه پشت پا زد و مسیر را به گونه‌ای تنظیم کرد که دو قطبی در منطقه ایجاد شد: در یک طرف کردستان و اسرائیل و در طرف دیگر ایران، ترکیه و عراق قرار گرفتند؛ دوقطبی‌ای که برای منطقه بشدت خطرناک بود و بارزانی از این دو قطبی نیز ضربه خورد. در واقع، این دوقطبی به اتحاد ایران، ترکیه و عراق منجر شد، چرا که کشورهای فوق اجازه نمی‌دادند کردستان به متحد اسرائیل در منطقه تبدیل شود.

با این که آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها بر اساس الگوی خاورمیانه بزرگ در اصل موافق تجزیه کردستان بودند و رئیس ستاد مشترک آمریکا بیان کرده بود تنها راه حل مشکلات عراق تبدیل آن به سه منطقه کرد، سنی و شیعه است، اما بارزانی زمانی دست به این اقدام زد که با شرایط شخصی خود او مناسب بود، نه با شرایطی که آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها در نظر داشتند. برای همین آمریکایی‌ها اعلام کردند در شرایط فعلی با استقلال کردستان موافق نیستند. حتی اروپایی‌ها هم حاضر به حمایت نشدند. چرا که اگر قومی بخواهد اعلام استقلال کند باید حمایت کشورهای دیگر را به همراه داشته باشد تا آن را به رسمیت بشناسند. به هر صورت بارزانی مسیری را انتخاب کرد که به شکاف قومی درون احزاب کردستان، شکاف ملی درون ملت عراق، شکاف منطقه‌ای بین کشورهای منطقه و شکاف بین‌المللی منجر شد. به همین علت، کردستان ساخته بارزانی بسرعت به انزوای کامل در سطوح قومی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی فرو رفت و پروژه بارزانی بسرعت سقوط کرد. به نظر می‌رسد، بارزانی حامی دیگری در سطوح قومی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی ندارد و تنها راهش کناره‌گیری است تا موضوع همه‌پرسی کردستان منتفی و انتخابات داخلی دیگری برگزار شود.

دکتر مصطفی مصلح‌زاده

استاد دانشگاه و سفیر پیشین ایران در اردن